



گفت‌وگو  
با محمد عسگری  
کارگردان فیلم  
سینمایی  
«اتافک گلی»

## سینما را باید خود سینماگران اداره کنند

بخوانند. آیا اگر کسی کاراکترش در فیلم نماز نخواند، یعنی ضد نماز است؟ عسگری درباره سکانس دیگری در «آسمان غرب» توضیح داد: شیروودی می‌بیند به دختر بچه‌ای تجاوز شده، او را در آغوش می‌کشد و به جای امنی می‌برد؛ همه چیز که توپ و تانک نیست، به سفارش دهنده گفتم اگر این سکانس را از فیلم در بیایید، خودم را کارگردان این فیلم نمی‌دانم و همه جا اعلام می‌کنم که من فقط از نظر فنی پشت دوربین این فیلم بودم. وی افزود: من چند بار می‌خواستم کارگردانی «آسمان غرب» را بکنم اما اگر حبیب والی‌نژاد تهیه‌کننده نبود، بارها این فیلم را رها کرده بودم. ارتش دو بار می‌خواست این فیلم را تولید کند اما نتوانسته بود. فیلمبرداری روی زمین و آسمان ارتباط این دو کار مشکلی بود که از عهده هر کسی بر نمی‌آید. این کارگردان اظهار داشت: جالب است که در جنگ ۱۲ روزه، بارها فیلم را از تلویزیون پخش کردند و همان جمله‌ای که خود نوشته بودم (برای مردم جنگ) را بارها در فضای مجازی و فیزیکی منتشر کردند. احتمالاً «صیاد» هم بر اساس سلیقه ارتش پیش‌رفته؛ فیلمنامه ستادی دارد و همه‌اش در ارتش و فقط دو سکانس در خانه صیاد می‌گذرد.

این کارگردان درباره حضور مدیران در ارگان‌ها یادآور شد: مساله این است که افراد تصمیم‌گیرنده حزب الهی و نظامی هستند؛ درحالی‌که تصمیم‌گیرنده ارگان هنری باید هنرمند باشند نه نظامی. مثلاً اگر همایون اسعدیان رئیس فارابی یا سازمان سینمایی سوره شود، چه می‌شود؟ آیا او دین‌دار نیست؟ سینما را باید خود سینماگران اداره کنند. در میان سینماگران، مدیران توانمندی چون رضا میرکریمی را داریم. چرا از او بهره نمی‌بریم؟ عسگری از تولید فیلم زندگی شهید ولی‌الله فلاحی خبر داد و گفت: در حال حاضر فیلم زندگی شهید ولی‌الله فلاحی در حال نگارش است. من مطمئنم ۵۰ بار فیلمنامه آن را نوشته و تغییر دادند تا ارتش رضایت بدهد. مشکل، عدم شناخت هنری از سینماست. سینما محیط وسیع‌تری است اما ارتش یا دیگر ارگان‌ها بسته‌تر و محافظه‌کارانه رفتار می‌کنند.

عسگری درباره فیلم جدید خود گفت: فیلم سینمایی «پل» را به تازگی ساختم که در مرحله تدوین است و سرمایه‌گذاری آن بر عهده شهرداری کرج بوده است. فیلمی است که در بخشی از قصه به جنگ می‌پردازد. به نظر من فیلم، خط متفاوتی از جنگ را پیش می‌برد و مخاطب با قهرمان به دلیل حرکات انسانی نه فقط ایثار و خون دادن سمپات می‌شود.

و بعد من اضافه می‌شوم. بعد از طرح موضوعات متعدد، به این نتیجه رسیدیم که قصه برای دراماتیزه‌شدن، نیازمند داستان‌سرایی و تعلیق است. این شد که ماجرای عشق و ورنده روستایی و اختلاف بین دو خانواده روستایی زاینده شد و فیلمنامه «اتافک گلی» شکل گرفت.

این کارگردان در پاسخ به تفاوت «اتافک گلی» و «آسمان غرب» و محوریت قرار دادن مردم گفت: در فیلم «اتافک گلی» مردم نقش اول را دارند و می‌جنگند و از یک جایی رزمنده‌ها اضافه می‌شوند و در کنار مردم می‌جنگند و در نهایت جان خود را برای مردم می‌دهند. در «آسمان غرب» نیز شعارهای تبلیغاتی این بود که «برای مردم جنگ» اما بخشی از ماجرا هم خواسته سفارش دهنده است.

وی افزود: سفارش دهنده دنبال این است که دوربین وسط میدان برود و جنگ پررنگ شود. ارتش علاقه مند بود که هوانیروز و روحیه جنگنده شهید شیروودی، پررنگ شود. در این بین یک اختلاف عجیبی بین من، حوزه هنری و ارتش وجود داشت؛ البته که حوزه هنری بسیار آرام‌تر پیش می‌رفت اما کار کردن با ارتش سخت‌تر بود.

عسگری با تأکید بر اینکه از او خواسته بودند برخی سکانس‌ها را حذف کند، تشریح کرد: در «آسمان غرب» هم مردم به اندازه‌ای که دست من به عنوان فیلمساز باز بود، نقش داشتند و البته که بارها به من گفتند برخی سکانس‌ها را جدا کن. در یک سکانس شیروودی مردم را می‌بیند که به دلیل هجوم رژیم بعث، پشت در پادگان هستند. همان لحظه قفل در را می‌شکنند و مردم را به داخل راه می‌دهد. یا در بخشی دیگر از فیلم می‌گویند فرمانده پادگان برای مردم بیمارستان صحرایی برپا می‌کند. اینها در واقعیت نبوده و من آنها را اضافه کردم اما به بسیاری از آنها خرده گرفتند. سفارش دهنده، خالق را بدبخت می‌کند.

وی بیان کرد: ارتش با همه اینها مخالف بود و عقیده داشت که چرا باید مردم را به داخل پادگان راه دهیم؟ یا چرا زن‌ها باید شب‌ها نگاهبانی بدهند؟ این حس است و شیروودی هم برای همین‌ها می‌جنگد. سفارش دهنده می‌خواهد کاراکترها ایدئولوژیک باشند و همیشه نماز و قرآن

محمد عسگری کارگردان «آسمان غرب» درباره دلیل تأخیر در اکران این فیلم گفت: مشکلات بین تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار منجر به تأخیر در اکران «اتافک گلی» شد. فرآیندی که می‌توانست یکی دو ماهه حل شود، به یک لجاجتی تبدیل شد و پروسه اکران فیلم را به سه سال انتظار عوامل، معطوف کرد. وی افزود: هرچیزی تاریخ مصرفی دارد؛ درست است فیلم قدیمی نشده اما این فیلم که در جشنواره ۱۱ بار نامزد می‌شود و سیمرغ هم می‌گیرد باید یکی دو ماه پس از جشنواره که تب‌وتاب خبری دارد، اکران شود نه آنکه پس از سه سال روی پرده برود. مسبب این آسیبی که به فیلم وارد شده، سرمایه‌گذاران هستند.

این کارگردان با گله از وضعیت تبلیغاتی این فیلم اضافه کرد: تولید فیلم در نهادها و ارگان‌ها مفهوم دارد اما پخش فیلم هیچ مفهومی برای ارگان‌ها ندارد؛ نه فقط باغ موزه دفاع مقدس بلکه پخش فیلم برای هیچ ارگانی، مهم نیست و برای آن بودجه‌هایی در نظر گرفته نمی‌شود.

عسگری ادامه داد: وقتی ۳۵ میلیارد تومان هزینه تولید یک فیلم است، باید حداقل ۵ میلیارد تومان برای پخش آن برآورد شود. هزینه تبلیغات محیطی و دیجیتال باید در نظر گرفته شود؛ خصوصاً این دست فیلم‌ها که نمی‌توانند در ماهواره تبلیغ شوند. این طور می‌شود که فیلم صاحب دارد اما بعد از تولید، در پخش، بی‌صاحب می‌شود و توقع دارند خود فیلم رویه پخش و تبلیغات را طی کنند. به نظر من، پروسه پخش یک فیلم از تولید آن سخت‌تر است.



کارگردان «اتافک گلی» درباره شرایط فعلی تبلیغات فیلم گفت: تبلیغات فعلی، بر اساس ارتباطات تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار صورت گرفته و برای آن هزینه‌ای نشده است. در کنار تأخیر سه ساله در اکران، مساله تبلیغات و پخش نیز آسیب جدی به فیلم وارد کرده است.

وی با اشاره به واقعی بودن قصه فیلم، درباره شکل‌گیری گروه و پرداخت به سوزنه توضیح داد: این فیلم قصه‌ای مستند با مرکزیت عملیات مرصاد داشت که داوود صیوری، تهیه‌کننده فیلم در آن عملیات حضور داشته؛ او این قصه را با پدرام کریمی، نویسنده فیلم مطرح می‌کند

ایرنا



نویسنده و کارگردان:  
مجید اسماعیلی  
تهیه‌کننده:  
مجتبی امینی